

بررسی تأثیر مکانیزم حاکمیت شرکتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود

حمید مزرئی نوده^۱

محمدرضا عبدلی^۲

محمدعلی قزل سوفلو^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵

چکیده

در این پژوهش به بررسی تأثیر مکانیزم حاکمیت شرکتی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود پرداخته شد. جامعه آماری این پژوهش، شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران می باشد که نمونه ی آماری متشکل از ۱۱۰ شرکت، در بازه ی زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۵ با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره با الگوی اقتصاد پنل دیتا می باشد. نتایج پژوهش نشان داد، شرکت هایی که معاملات با اشخاص وابسته دارند نسبت به شرکت هایی معاملات با اشخاص وابسته ندارند، مدیریت سود بیشتری دارند و هرچه حجم ریالی معاملات با اشخاص وابسته افزایش یابد، مدیریت سود افزایش پیدا خواهد کرد. از طرفی ترکیب هیئت مدیره و سهامداران نهادی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود به ترتیب اثر منفی و مثبت دارد بدین معنی که هرچه ترکیب هیئت مدیره کاهش یابد، منجر به افزایش مدیریت سود می گردد و هرچقدر درصد سهامداران نهادی در شرکتی افزایش یابد، اثر مدیریت سود شرکت نیز افزایش خواهد یافت. همچنین با توجه به نتایج متغیرهای کنترلی، اهرم مالی و عمر شرکت رابطه منفی (معکوس) و متغیر اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود دارند اما بین فرصت های رشد با مدیریت سود رابطه ای وجود ندارد.

واژگان کلیدی

حاکمیت شرکتی، معاملات با اشخاص وابسته، مدیریت سود

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی شمس گنبد، گنبد، ایران. (facom1367@gmail.com)

۲. دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران. (mra830@yahoo.com)

۳. مدیر گروه و هیات علمی حسابداری موسسه آموزش عالی شمس گنبد، گنبد، ایران. (aeghgh@gmail.com)

۱. مقدمه

امروزه، فرصت طلبانه بودن معاملات با اشخاص وابسته، یکی از عواملی است که به ویژه در کشورهای آسیایی که روابط تجاری در آنها به گونه ای است که انجام معاملات با اشخاص وابسته را آسان می کند، موجب کاهش ارزش سرمایه می شود. اخیراً توجه به معاملات با اشخاص وابسته افزایش یافته است. یکی از دلایل این توجه وجود تقلب در شرکت های بزرگ مانند انرون^۱ می باشد که به ورشکستگی انجامید. یکی تقلب مالی انجام شده توسط انرون معاملات صوری و ساختگی با اشخاص وابسته بوده است. این موضوع موجب تقاضا برای مکانیزم های نظارتی بیشتر و دقیق تر برای معاملات با اشخاص وابسته، افزایش یابد. استفاده کنندگان صورتهای مالی، معاملات با اشخاص وابسته را به عنوان شاخص حسابداری تهاجمی در نظر می گیرند (میتا و یوتاما^۲، ۲۰۱۴). یکی از این نقاط، معاملات با اشخاص وابسته است که به شرکتها اجازه می دهد سود را دلخواهانه کم یا زیاد کنند. از سوی دیگر، با وجود آنکه از منظر حسابرسی، معاملات با اشخاص وابسته شاخص بالقوه ریسک حسابرسی محسوب می شود، ناتوانی حسابرسان در شناسایی این معاملات، جزء یکی از کاستیهای موجود در حسابرسی است.

معامله با اشخاص وابسته از ویژگی های معمول فعالیت های تجاری است. برای مثال برخی واحدهای تجاری بخشی از فعالیت های خود را از طریق واحد های تجاری فرعی، مشارکت های خاص و واحدهای تجاری وابسته انجام می دهند. معامله با اشخاص وابسته می تواند بر وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف پذیری مالی واحد تجاری تأثیرگذار باشد. تحقیقات صورت گرفته نشان می دهد که وجود معاملات با اشخاص وابسته، جزء مواردی است که می تواند منجر به دستکاری های مدیریت یا جدید ارائه در رابطه با اطلاعات مالی گردد. اینگونه معاملات، گوناگون هستند و اغلب شامل معاملات پیچیده ای بین بنگاه و مدیران اصلی، مدیران ارشد اجرایی، مالکان و واحدهای تجاری وابسته به آن واحد می باشند (گوردن و هنری^۳، ۲۰۰۵). اکثر شرکتها و واحدهای تجاری تمایل به هموارسازی سود دارند. در واقع هموارسازی سود به معنی نقش مدیران شرکت در راستای تعدیل نوسان های سودهای تحقق یافته شرکتشان است. بر این اساس در صورتی که عملکرد جاری شرکت ضعیف باشد، مدیران به هموارسازی سود از طریق افزایش تعهدات تمایل دارند و سودهای آتی را به عاریه می گیرند (قرضی می گیرند) و در صورتی که عملکرد جاری شرکت خوب باشد مدیران تعهدات کاهنده سود را انتخاب کرده و سود را برای دوره آتی ذخیره می کنند (صادق زارعی، ۱۳۹۱)؛ بنابراین هرچقدر معاملات با اشخاص وابسته بیشتر باشد، انگیزه و امکان هموارسازی سود که یک نوع مدیریت سود محسوب می شود، افزایش خواهد یافت که در نهایت به رسوایی ختم خواهد شد.

مدیریت سود روشی است که توسط مدیریت جهت دستکاری داده ها به کار می رود و نوعی اقدام آگاهانه با هدف طبیعی نشان دادن سود شرکت جهت رسیده به یک سطح مطلوب و مورد نظر می باشد. مدیریت سود زمانی اتفاق می افتد که مدیران با استفاده از قضاوت در گزارشگری مالی و ساختار مبادلات جهت گمراه نمودن بعضی از ذینفعان شامل سرمایه گذاران و ...، درباره عملکرد اقتصادی شرکت، در گزارشگری مالی تغییر ایجاد می کند. در واقع مدیریت سود به مداخله عمومی مدیریت در فرآیند تعیین سود که در راستای اهداف دلخواه مدیریت می باشد، نامیده می شود.

1- Enron

2- Mita and Utama

3- Gordon & Henry

رسوایی های حسابداری، نگرانی های بسیاری میان قانون گذاران و فعالان بازار به وجود آورده است. بحرانهای مالی شرکتها که بر ریسک ذاتی معاملات با اشخاص وابسته به عنوان ابزاری قدرتمند در انجام تقلبهای مالی و تصاحب منابع سهامداران سایه افکنده است، پرده ها را کنار میزند تا راه فرارهای قانونی که الزامات موجود افشا را تحت تأثیر قرار می دهد، آشکار شود (شعری و حمیدی، ۱۳۹۲). در واقع رسوایی های اخیر مالی در برخی از شرکت ها، نقاط ضعف موجود در گزارشگری مالی را برجسته تر ساخته است و معاملات با اشخاص وابسته از جمله مواردی است که به وضوح قابل مشاهده است. استفاده کنندگان از صورت های مالی، وجود معاملات با اشخاص وابسته را نشانه ای (دلیلی) احتمالی، برای مدیریت سود می دانند (دستکاری سود وسط مدیران واحد جاری) و اغلب حسابرسی اینگونه معاملات مشکل است زیرا دارای ریسک بالای بالقوه ای در حسابرسی می باشند. مشارکت مدیران اصلی و مدیران ارشد واحد تجاری و یا اشخاص وابسته در اینگونه معاملات برای کسب منابع واحد تجاری، انگیزه ی لازم را برای مدیریت برای هموارسازی و عدیل سود و حتی احتمالاً افزایش عایدی و یا پنهان ساخت احتمالی کاهش در دارایی ها (کاهش منابع)، ایجاد می کند (گوردن و هنری، ۲۰۰۵). به طور کلی معاملات با اشخاص وابسته می تواند به نفع مدیران و در راستای تصاحب منابع سهامداران انجام گیرد. اگر به این شیوه به معاملات با اشخاص وابسته نگریسته شود، این معاملات با بیشینه سازی ثروت سهامداران ناسازگار خواهد بود. از این رو، معاملات با اشخاص وابسته، توجه دانشگاہیان و سازمانهای حرفه ای را معطوف خود کرده و نگرانی نسبت به استفاده متقلبانه از این معاملات و عدم افشای آنها، کانون تمرکز قرار گرفته است. با توجه به آنکه معاملات با اشخاص وابسته، خطر زیان دیدن ذینفعان را افزایش می دهد، تفاضا برای نظارت بر این معاملات وجود دارد. نظارتها مانع خروج ثروت از شرکت توسط اشخاص وابسته یا گزارشگری متقلبانه می شود که این امر با پذیرش سازوکارهای حاکمیت شرکتی تحقق پیدا می کند. مدیریت سود در درجه ی اول از طریق اعمال مدیریت قابل دستیابی است که دستیابی به سطح سود مطلوب را از طریق انتخابهای حسابداری در اصول پذیرفته شده حسابداری آسان تر می سازد، این موضوع به طور معمول از طریق دست کاری های اقلام تعهدی اختیاری ایجاد شده است که به ارائه ی برخی از مشکلات برای یک گزارش سود کیفی و واقعی در بازارهای نوظهور نظیر بورس تهران می پردازد. با توجه به انگیزه های موجود در معاملات با اشخاص وابسته در جهت مدیریت سود و با اتخاذ برخی تصمیمات در خصوص اینگونه معاملات انگیزه دستکاری سود، می تواند افزایش یابد، بنابراین نیازی احساس می شود تا ببینیم آیا معاملات با اشخاص وابسته در ایران در راستای مدیریت سود می باشد یا خیر و این که آیا مکانیزم های نظارتی می توان در این راستا و در جهت کاهش مدیریت سود، ایفای نقش نماید؛ بنابراین پژوهش حاضر، در راستای احساس نیاز به غنی تر نمودن پژوهش های حسابداری در این خصوص و همچنین آگاهی بخشیدن به سرمایه گذاران و صاحبان سود، در این رابطه می باشد. بر این اساس در این تحقیق به بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود و تأثیر مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر این رابطه می پردازد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سؤالی مطرح است و آن اینکه از دیدگاه تئوریک چگونه می توان این واقعیت را پذیرفت که جریان سود تقسیمی و ریسک های مربوط می تواند تعیین کننده قیمت سهام باشد در حالیکه همانطور که می دانیم با تغییر شیوه محاسبه موجودی کالا، استهلاک و ثبت درآمد به راحتی می توان میزان سود شرکت را تغییر داد. از آنجا که سود شرکت به وسیله سهامداران قابل دستکاری است و مقدار آن به میل و خواسته مدیران شرکت تغییر می یابد، این پرسش مطرح است که

آیا سود شرکت می‌تواند ارزش اقتصادی داشته باشد یا خیر؟ چگونه می‌توانیم بپذیریم که سود شرکت عامل تعیین‌کننده ارزش سهام باشد؟ شاید پاسخ ساده این پرسش این باشد که سود مورد گزارش و سود پیش‌بینی شده به سرمایه‌گذاران کمک می‌کند تا بتوانند بر آن اساس جریان سود تقسیمی آینده را پیش‌بینی کنند. به این دلیل است که سرمایه‌گذاران بصورتی آشکار به سود شرکت توجه زیادی می‌کنند. به عنوان مثال اگر انتظار رود که سود شرکت در یک سال ۲۰٪ رشد یابد می‌توان بصورتی معقول انتظار داشت که سود تقسیمی هم در سال با نرخ ۲۰٪ رشد کند.

مدیریت سود

فلسفه مدیریت سود، بهره‌گیری از انعطاف‌پذیری روش‌های استاندارد و اصول پذیرفته شده حسابداری می‌باشد. البته تفسیرهای گوناگونی که می‌توان از روش‌های اجرایی یک استاندارد حسابداری برداشت کرد، از دیگر دلایل وجود مدیریت سود می‌باشد. این انعطاف‌پذیری دلیل اصلی تنوع موجود در روش‌های حسابداری است. در زمانی که تفسیر یک استاندارد بسیار انعطاف‌پذیر است، یکپارچگی داده‌ها ارائه شده در صورت‌های مالی کمتر می‌شود.

دی^۴ (۱۹۸۸) بیان می‌کند که مدیریت سود معمولاً از استفاده مدیران از مزایای عدم تقارن اطلاعاتی ناشی می‌شود. وی حداقل دو مسأله مهم را مطرح نموده است. اولاً، برای افزایش پاداش مدیران که توسط سرمایه‌گذاران تأمین می‌شود، سود دستکاری می‌شود و ثانیاً، سرمایه‌گذاران بالفعل تمایل دارند که بازار برداشت بهتری از ارزش شرکت داشته باشد؛ بنابراین، انتقال ثروت بالقوه از سرمایه‌گذاران جدید به سرمایه‌گذاران قدیمی که ایجادکننده یک تقاضای داخلی برای مدیریت سود هستند، به وجود می‌آید.

تحقیقات داخلی

حسین نژاد شیروانی (۱۳۹۳) تحقیقی تحت عنوان بررسی تأثیر بدهی کوتاه‌مدت بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران (با تأکید بر نقش فرصت‌های رشد و اهرم مالی) انجام داد. به این منظور ۱۰۱ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ را موردبررسی قرارداد و برای تحلیل و آزمون فرضیات از رگرسیون خطی استفاده نمود. نتایج پژوهش وی بیانگر ارتباطی معکوس بین سررسید بدهی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. همچنین ارتباطی مستقیم و معنادار بین فرصت‌های رشد و اهرم مالی با مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد.

ذاکری (۱۳۹۳) تحقیقی تحت عنوان بررسی ارتباط بین سررسید بدهی کوتاه‌مدت و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی انجام داد. وی در تحقیق خود برای اندازه‌گیری مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی، از مدل ارقام تعهدی اختیاری طبق مدل تعدیل‌شده جونز استفاده نمود. بدین منظور، اطلاعات مالی ۱۰۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۱ موردبررسی قرارداد. روش پژوهش از نوع همبستگی است. با توجه به تحلیل‌ها و فرضیه‌های پژوهش نتایج حاکی از آن است که سررسید بدهی‌های کوتاه‌مدت بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی تأثیر ندارد.

علوی نرمیقی (۱۳۹۴)، تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه‌ی معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، انجام داد. برای بررسی این موضوع دو فرضیه تدوین شده و برای

تخمین فرضیات از روش پانل دیتا و روش اثر ثابت و اطلاعات شرکت های بورس اوراق بهادار طی سالهای ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۳ از استفاده شده است. در این تحقیق برای معیار ارزش شرکت از دو معیار نسبت ارزش بازار به دفتری و ارزش بازار داراییها استفاده شده است. نتایج وی نشان می دهد که بین معاملات با اشخاص وابسته و نسبت ارزش بازار به دفتری ارتباط معنادار و مثبتی وجود دارد. همچنین بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش بازار داراییها ارتباط معنادار و مثبتی وجود دارد. هر دو فرضیه نشان می دهد که بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت ارتباط معنادار و مثبتی وجود دارد. این بدان معناست هر چه معاملات با اشخاص وابسته بیشتر باشد ارزش شرکت بیشتر می شود اما باید توجه نمود که این افزایش نباید در جهت منفی یا خرید باشد بلکه هر چه فروش معاملات با اشخاص وابسته بیشتر باشد ارزش شرکت بیشتر خواهد شد و ارزش شرکت با خرید معاملات وابسته رابطه منفی دارد. نتایج همچنان نشان داد که هر چه تعداد شرکتهای وابسته بیشتر باشد ارزش شرکت هم بیشتر خواهد بود.

تحقیقات خارجی

حبیب و همکاران^۵ (۲۰۱۵) تحقیقی تحت عنوان بررسی تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر حق الزحمه حسابرسی در کشور چین انجام دادند. آنها به این منظور تعداد ۱۱۰۷۷ مشاهده طی بازه زمانی ۲۰۱۳-۲۰۰۴ مورد بررسی قرار دادند. نتایج آنها نشان داد که معاملات با اشخاص وابسته بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین نتایج آنها نشان داد در شرکت هایی که تعاملات بیشتری در خصوص وام، ضمانت و انتقال سرمایه با اشخاص وابسته دارند، شدت تأثیرگذاری معاملات با اشخاص وابسته بر حق الزحمه حسابرسی بیشتر است. علاوه بر این یافته های آنها نشان داد که حق الزحمه حسابرسی برای معاملات با اشخاص وابسته در صناعی که رقابتی هستند، پایین تر است.

بری-استلزل و همکاران^۶ (۲۰۱۵)، تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه ی بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و مدیریت سود انجام دادند. این تحقیق طی بازه زمانی ۲۰۱۱-۲۰۰۲ انجام شده است. آنها معتقدند که مدیران خوش بین بیش از حد، پروژه های خود را بیشتر از واقعیت برآورد می کنند و در نتیجه زیان خواهند داشت، برای این که زیان خود را کمتر جلوه دهند، اقدام به مدیریت سود می کنند. یافته های نشان می دهد که بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و مدیریت سود رابطه مثبتی وجود دارد؛ یعنی شرکت هایی که مدیران آنها اعتماد به نفس بیش از حد می باشد، بازده های خود را بیشتر از واقعیت برآورد می کنند و برآورد آنها تحقیق پیدا نمیکند، بنابراین اقدام به دستکاری سود و مدیریت سود می نمایند.

هسیه و همکاران^۷ (۲۰۱۵)، تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه ی بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیر عامل و مدیریت سود انجام دادند. به این منظور اطلاعات ۵۰۴۳ مشاهده را طی بازه زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۱ را مورد بررسی قرار دادند. آنها برای محاسبه مدیران بیش اطمینان از معیار مالموندیر و تاتی (۲۰۰۵) استفاده کردند و همچنین برای محاسبه مدیریت سود از مدل چو و همکاران (۱۹۹۵) و کوهن و همکاران (۲۰۰۸) و روچودهری (۲۰۰۶) استفاده کردند. نتایج آنها نشان داد که تعامل مثبت و معنی دار بین بیش اطمینانی مدیران و قانون ساربازنر اکسلی در شرکتهای با اقلام تعهدی تعیین شده وجود دارد؛ بنابراین شرکتهای با مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد احتمال بیشتری برای استفاده از اقلام

5- Habib et al

5- Financial Accounting Standards Board

6- Berry-Stölzle et al

7- Hsieh et al

تعهدی برای مدیریت سود نسبت مدیران که دارای اعتماد به نفس بیشتری نیستند، در دوره بعد از قانون ساربینز اکسلی دارند. همچنین نتایج تحقیق مشخص کرد که بیش اطمینانی مدیران با سطوح غیر عادی مدیریت سود مبتنی بر فعالیتهای واقعی افزایش دهنده سود همراه است. علی الخصوص نتایج نشان داد که بیش اطمینانی مدیران با کاهش هزینه های تعهدی غیر عادی و افزایش جریانهای نقدی غیر عادی حاصل از عملیات همراه است. همچنین یک کاهش در هزینه های تولید غیر عادی در دوره بعد از قانون ساربینز اکسلی در رابطه با مدیران بیش اطمینان مشاهده شد. به طور کلی یافته های آنها نشان داد که بیش اطمینانی مدیران ارتباط مثبتی با مطابقت دادن با پیش بینی تحلیلگران در دوره قبل از قانون ساربینز اکسلی دارد که این تمایل در دوره بعد از قانون ساربینز اکسلی از بین رفته است.

۳. فرضیه های پژوهش

H₁. شرکت هایی که معاملات با اشخاص وابسته بیشتری نسبت به شرکت های که معاملات با اشخاص وابسته کمتری دارند، مدیریت سود بیشتری دارند.

H₂. حجم ریالی معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود اثر معناداری دارد.

H₃. ترکیب هیئت مدیره بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود اثر معناداری دارد.

H₄. سهامداران نهادی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود اثر معناداری دارد.

۴. روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر طبقه بندی براساس اهداف، از نوع کاربردی است چون هدف آن توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است و به سمت کاربرد عملی دانش هدایت می شود، به عبارت دیگر هدف این تحقیقات، توسعه و بهبود روش ها، ابزار، کالاهای و ساختارها می باشد (حافظ نیا، ۱۳۸۷). به علاوه از نوع تحقیقات شبه تجربی و در حوزه تحقیقات توصیفی (غیر آزمایشی - پیمایشی) است. این روش به منظور کشف واقعیت های موجود یا آنچه هست انجام می شود. در واقع این روش پژوهشی به منظور توصیف کردن یک جامعه ی تحقیقی در زمینه ی توزیع یک پدیده ی معین انجام می شود. به همین دلیل محقق درباره ی علت وجودی توزیع بحث نمی کند، بلکه تنها به «چگونگی» آن در جامعه ی مورد پژوهش می پردازد و آن را توصیف می کند. به عبارت دیگر آنچه محقق می خواهد بداند این است که چطور افراد یک جامعه بر اساس یک متغیر در جامعه توزیع پیدا کرده اند (دلاور، ۱۳۸۵). هم چنین با توجه به اینکه در این تحقیق برای محاسبه متغیرها از اطلاعات گذشته استفاده شده است، از نوع تحقیقات پس رویدادی است. از نظر روش تحلیل داده ها، تحقیق همبستگی - مقطعی می باشد.

۵. جامعه و نمونه آماری و دوره زمانی پژوهش

جامعه آماری به کل گروه افراد، وقایع و یا چیزهایی اشاره دارد که محقق می خواهد به تحقیق درباره آنها بپردازد (ساکران، ۱۳۸۰). کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می دهند. برای انتخاب نمونه از روش حذف سیستماتیک استفاده می شود، در این پژوهش شرکت هایی که دارای ویژگی های زیر بودند به عنوان نمونه انتخاب شده است:

۱- سال مالی به پایان اسفند منتهی باشد

۲- در دوره ی مورد بررسی، تغییر سال مالی نداده باشد.

۳- تمامی اطلاعات مربوط به اجزای محاسبه متغیرهای معادلات در دسترس و افشا شده باشد.

۴- شامل شرکتهای سرمایه گذاری و واسطه گری مالی و بیمه ها و بانک ها نباشد. شرکت های سرمایه گذاری، مالی و واسطه گری به دلیل اینکه صورت های مالی متفاوتی نسبت به سایر شرکت ها دارند از نمونه انتخابی حذف می شوند.

روش نمونه گیری

نمونه آماری عبارت است از تعداد محدودی از آحاد جامعه آماری که بیان کننده ویژگی های اصلی جامعه باشند (حافظ نیا، ۱۳۸۷). در این تحقیق برای انتخاب نمونه به روش حذف سیستماتیک با در نظر گرفتن محدودیت های تعیین شده به شرح زیر اقدام گردید.

جدول (۱): مراحل انتخاب نمونه نهایی

تعداد	تعداد	شرح
۵۶۷		تعداد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۸۹ تا ۹۴ در بورس حضور دارند (مشاهده شده از وب سایت بورس)
۹۵		حجم شرکت های واسطه گری و سرمایه گذاری
۱۴۹		تعداد شرکت هایی که سال مالی آنها منتهی به اسفند نیست
۵۷		تعداد شرکتهای بورسی که تغییر سال مالی داده اند
۱۵۶		شرکت هایی که اطلاعات مربوط به اجزای محاسبه متغیرهای معادلات در دسترس و افشا نکرده اند
(۴۴۰)		جمع شرکت های حذف شده
۱۱۰		تعداد شرکت های مورد بررسی

با توجه به محدودیت های اعمال شده، تعداد ۱۱۰ شرکت انتخاب شدند که اطلاعات این شرکتها از سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سایت بورس اوراق بهادار تهران و نرم افزارهای رهاورد نوین جمع آوری شده است.

۶. مدل و متغیرهای پژوهش

در این تحقیق به منظور تبیین آزمون فرضیه اول به پیروی از پژوهش میتا و یوتاما (۲۰۱۴) از آزمون t دوجامعه که به صورت صفر و یک بیان شده است، استفاده خواهد شد. همچنین به منظور سنجش فرضیه دوم تحقیق از حجم ریالی معاملات با اشخاص وابسته استفاده خواهد شد. از این رو مدل (۱) مفروض است:

$$EM_{i,t} = a + \beta_1 RPT_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 GO_{it} + \beta_4 FL_{it} + \beta_5 Age_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

همچنین، برای آزمون فرضیه سوم از حجم ریالی معاملات با اشخاص وابسته و مدل (۳) استفاده خواهد شد.

$$EM_{i,t} = a + \beta_1 RPT_{it} + \beta_2 (RPT_{it} * BC_{it}) + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 GO_{it} + \beta_5 FL_{it} + \beta_6 Age_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

در نهایت، برای آزمون فرضیه چهارم از حجم ریالی معاملات با اشخاص وابسته و مدل (۳) استفاده خواهد شد.

$$EM_{i,t} = a + \beta_1 RPT_{it} + \beta_2 (RPT_{it} * II_{it}) + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 GO_{it} + \beta_5 FL_{it} + \beta_6 Age_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۳)}$$

که در اینجا:

$$EM_{it} = \text{مدیریت سود}^8 \text{ شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$RPT_{it} = \text{معاملات با اشخاص وابسته}^9 \text{ بر شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$BC_{it} = \text{ترکیب هیئت مدیره}^{10} \text{ برای شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$II_{it} = \text{سرگزاران نهادی}^{11} \text{ برای شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$RPT_{it} * BC_{it} = \text{اثر تعاملی ترکیب هیئت مدیره و معامل اشخاص وابسته برای شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$RPT_{it} * II_{it} = \text{اثر تعاملی سرمایه گذاران نهادی و معاملات با اشخاص وابسته برای شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$SIZE_{it} = \text{اندازه شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$GO_{it} = \text{فرصت های رشد (نسبت ارزش بازار سهام عادی به ارزش دفتری سهام عادی) شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$FL_{it} = \text{اهرم مالی شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$Age_{it} = \text{عمر شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$\beta = \text{مقدار ثابت.}$$

$$\varepsilon_{it} = \text{میزان خطای مدل.}$$

متغیر مستقل

معاملات با اشخاص وابسته (PRT_{it}): در این پژوهش برای سنجش متغیر مستقل، مطابق با شاخص به کار گرفته شده کوآن و همکاران (۲۰۱۰) و سرلک و اکبری (۱۳۹۲) از جمع کل مبالغ معاملات با اشخاص وابسته افشاشده در یادداشتهای همراه ورتهای مالی سالانه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. همچنین در این پژوهش به منظور سنجش فرضیه اول از چارک بندی این متغیر استفاده شده است. شرکت هایی که در چارک اول و دوم قرار می گیرند، معاملات با اشخاص وابسته کمتر و عدد صفر می گیرند و شرکت هایی که در چارک سوم و چهارم قرار می گیرند، معاملات با اشخاص وابسته بیشتری دارند و عدد ۱ یک به خود اختصاص می دهند.

جدول ۲. چارک سازی معاملات با اشخاص وابسته

چارک اول	معاملات با اشخاص وابسته	کمترین معاملات با اشخاص وابسته
چارک دوم	معاملات با اشخاص وابسته	کمترین معاملات با اشخاص وابسته
چارک سوم	معاملات با اشخاص وابسته	بیشترین معاملات با اشخاص وابسته
چارک چهارم	معاملات با اشخاص وابسته	بیشترین معاملات با اشخاص وابسته

همچنین به منظور سنجش مولفه ی معاملات با اشخاص وابسته در فرضیه دوم و سوم از حجم ریالی این متغیر استفاده شده است.

8- Earnings Management

9- Related Party Transactions

10- Board Composition

11- Institutional Investors

متغیر وابسته

مدیریت سود: در این پژوهش مدل اقلام تعهدی اختیاری جونز (۱۹۹۱) که توسط دجو و همکاران (۱۹۹۵) تعدیل شده، به عنوان نماینده مدیریت سود در نظر گرفته شده است که روش محاسبه آن در ادامه تشریح می‌شود. با توجه به دیدگاه‌های دجو و همکاران (۱۹۹۵) جزء اقلام تعهدی اختیاری را به صورت زیر محاسبه نموده‌ایم. ابتدا کل اقلام تعهدی با استفاده از مدل زیر محاسبه می‌شود (اکلی، ۲۰۱۴):

$$TA_{i,t}/A_{i,t-1} = \alpha[1/A_{i,t-1}] + \beta_1[\Delta REV_{i,t}/A_{i,t-1}] + \beta_2[PPE_{i,t}/A_{i,t-1}] + \varepsilon_{i,t}$$

پس از محاسبه‌ی کل اقلام تعهدی، پارامترهای β_1 ، β_2 و β_3 به منظور تعیین اقلام تعهدی غیراختیاری، از طریق مدل زیر برآورد می‌شوند:

$$TA_{i,t}/A_{i,t-1} = \alpha[1/A_{i,t-1}] + \beta_1[\Delta REV_{i,t} - REC_{i,t}/A_{i,t}] + \beta_2[PPE_{i,t}/A_{i,t-1}] + \varepsilon_{i,t}$$

در نهایت اقلام تعهدی اختیاری طبق مدل بالا محاسبه می‌شود.

$$DA = (TA_{i,t}/A_{i,t-1}) - NDA_{i,t}$$

که در این رابطه:

$$TA_{i,t} = \text{کل اقلام تعهدی شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$A_{i,t} = \text{ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$A_{i,t-1} = \text{ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت } i \text{ در دوره } t-1$$

$$\Delta REV_{i,t} = \text{تغییرات درآمدهای فروش شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$PPE_{i,t} = \text{اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$NDA_{i,t} = \text{اقلام تعهدی غیر اختیاری شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$\Delta REC_{i,t} = \text{تغییرات در حساب‌های دریافتنی شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$DA_{i,t} = \text{اقلام تعهدی اختیاری شرکت } i \text{ در دوره } t$$

$$\beta_1, \beta_2, \beta_3 = \text{پارامترهای ثابت برآورد شده شرکت } i \text{ در دوره } t \text{ و}$$

$$\varepsilon_{i,t} = \text{ضریب خطا شرکت } i \text{ در دوره } t.$$

متغیرهای تعدیلگر

حاکمیت شرکتی: قوانین، مقررات، ساختارها، فرآیندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌شود (جمشیدی و ایزدی، ۱۳۹۰). در این تحقیق از دو معیار، ترکیب هیئت مدیره و سهامداران نهادی به عنوان حاکمیت شرکتی استفاده می‌شود.

۱- ترکیب هیئت مدیره: ترکیب هیئت مدیره از طریق تقسیم اعضای غیرمؤلف به کل اعضای هیئت مدیره، اندازه‌گیری می‌شود. این متغیر در پژوهش کاشانی پور و همکاران (۱۳۹۳) نیز با همین تعریف استفاده شده است.

۲- سرمایه‌گذاران نهادی: مطابق با تعریف (بوشی^{۱۲}، ۱۹۹۸)، سرمایه‌گذاران نهادی، سرمایه‌گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و ... هستند. براساس موضوع بند ۲۷ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار ج.ا. سهامداران نهادی عبارتند از:

- ۱- بانکها و بیمه‌ها،
 - ۲- هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق بازنشستگی، شرکت تأمین سرمایه و صندوقهای سرمایه‌گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار
 - ۳- هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار ناشر را خریداری کند،
 - ۴- سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی
 - ۵- شرکت‌های دولتی،
 - ۶- اعضای هیأت مدیره و مدیران ناشر یا اشخاصی که کارکرد مشابه دارند.
- در این پژوهش به پیروی از کاشانی پور و همکاران (۱۳۹۳) سرمایه‌گذاران نهادی عبارتند از درصد سهام نگه داری شده توسط شرکت‌های دولتی و عمومی از کل سهام سرمایه است که این شرکتها شامل شرکت‌های بیمه، موسسات مالی، بانکها و شرکت‌های دولتی و... دیگر اجزای دولت است (کاشانی پور و همکاران، ۱۳۹۳).

متغیرهای کنترل

به دلیل اینکه در یک تحقیق، اثر تمام متغیرها را بر یکدیگر نمی‌توان به طور همزمان مورد مطالعه قرار داد، بنابراین، محقق، اثر برخی از متغیرها را کنترل کرده و آنها را خنثی می‌کند. این نوع متغیرها، متغیر کنترل نامیده می‌شوند (آذرو مومنی، ۱۳۸۴). چهار متغیر زیر به عنوان متغیر کنترل انتخاب شده‌اند.

۱- اندازه شرکت (SIZE): طبق گفته محققان، شرکت‌های بزرگ در معرض توجه بیشتری قرار دارند و نسبت به شرکت‌های کوچکتر دارای انگیزه بیشتری برای هموارسازی سود هستند (سجادی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۷۴)؛ بنابراین اندازه شرکت می‌تواند انگیزه مدیران را جهت مدیریت سود افزایش دهد. در این تحقیق برای محاسبه اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها استفاده می‌شود.

۲- فرصت‌های رشد (نسبت ارزش بازار سهام عادی به ارزش دفتری سهام عادی):

از جمله عوامل تأثیرگذار دیگر بر میزان رفتارهای فرصت طلبانه مدیران، وجود فرصت رشد برای شرکت است. در زمانی که مدیر جریان نقد آزاد نسبتاً زیادی در دست دارد و از سوی دیگر فرصت‌های رشد زیادی برای شرکت موجود باشد، مدیر میتواند این وجوه نقد را در فعالیتهایی در راستای رشد شرکت استفاده کند. در چنین موقعیتی با توجه به اینکه این سرمایه‌گذاری‌ها در جهت رشد شرکت و در ادامه روند فعلی آن است، خطرپذیری کمتر و بازدهی تقریباً مشابه بازده فعلی شرکت دارد و بنابراین سود دچار نوسانات زیادی نخواهد شد. در مقابل، هنگامی که فرصت‌های رشد محدود باشد، مدیران به سرمایه‌گذاری‌هایی دست خواهند زد که دارای خطرپذیری بیشتر بالاتر و بازده متفاوتی از جریان عملیات فعلی شرکت است. در چنین موقعیتی سود شرکت دستخوش نوسان می‌شود و مدیر

برای مهار کردن اینگونه نوسانات که ناشی از سرمایه گذاری پر خطر است به هموارسازی سود و دستکاری اقدام خواهد کرد (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۵۸).

رابطه (۱)

$$GO_{i,t} = \frac{MVCS_{i,t}}{BVCS_{i,t}}$$

که در اینجا:

$GO_{i,t}$ = فرصت های رشد^{۱۳} برای شرکت i در دوره t ؛

$MVCS_{i,t}$ = ارزش بازار سهام عادی^{۱۴} برای شرکت i در دوره t ؛ ارزش بازار سهام عادی از حاصل ضرب قیمت سهام بازار در تعداد سهام آن شرکت محاسبه می شود.

$BVCS_{i,t}$ = ارزش دفتری سهام عادی^{۱۵} برای شرکت i در دوره t ارزش دفتری سهام از ترازنامه شرکت ها استخراج می شود.

۳- اهرم مالی:

$$FL_{i,t} = \frac{TD_{i,t}}{TA_{i,t}}$$

طبق گفته موسس^{۱۶} (۱۹۸۷) شرکتهایی که دارای بدهی بیشتری هستند

ریسک بالاتری نیز دارند و برای کاهش ریسک خود از هموارسازی

سود استفاده می کنند (سجادی و همکاران، ۱۳۹۱) و اقدام به مدیریت سود می نمایند.

رابطه (۲)

که در اینجا: $FL_{i,t}$ = اهرم مالی^{۱۷} شرکت i در دوره t ؛

$TD_{i,t}$ = کل بدهی ها^{۱۸} شرکت i در دوره t و $TA_{i,t}$ = کل دارایی ها^{۱۹} شرکت i در دوره t .

۱- **عمر شرکت:** لگاریتم طبیعی تعداد سال های تاسیس شرکت در بورس برای شرکت i در سال t ؛ باباجانی و

همکاران (۱۳۹۳) رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود انجام دادند، آنها در این تحقیق از عمر

شرکت به عنوان متغیر کنترل استفاده نمودند، نتایج آنها نشان داد که عمر شرکت رابطه مثبتی با مدیریت سود

دارد.

۷. روش تجزیه و تحلیل داده ها

فرضیه اول

شرکت هایی معاملات با اشخاص وابسته دارند نسبت به شرکت هایی معاملات با اشخاص وابسته ندارند، مدیریت سود

بیشتری دارند

جهت بررسی تفاوت معنادار میانگین نمرات بین دو گروه شرکت هایی معاملات با اشخاص وابسته دارند نسبت به

شرکت هایی معاملات با اشخاص وابسته ندارند از آزمون t دو گروه مستقل استفاده شده است. همچنین پیش شرط

13- Growth Opportunity

14- Market Value Common Stock

15- Book Value Common Stock

16- Moses

17- Financial Leverage

18- Total Debt

19- Total Assets

آزمون t مستقل، آزمون برابری واریانس می باشد که این آزمون پیش شرط توسط آزمون t و نرم افزار مورد سنجش قرار گرفته است. از این رو جدول زیر حاصل گردیده است:

جدول ۳- جدول نتایج آزمون t دوگروه مستقل

متغیر	F	معنی داری	t	درجه آزادی	سطح معنی داری
مدیریت	۱,۳۱۸	۰,۲۵۱	۳,۳۹۸	۶۵۸	۰,۰۰۰
سود			۳,۳۸۸	۲۴۴,۱۱۳	۰,۰۰۰

از آنجا که مقدار p_value آزمون فیشر (۰/۲۵۱) از میزان α بیشتر می باشد در نتیجه فرض برابری واریانس ها رد نمی شود. با مراجعه به سطر اول نتایج آزمون t (به علت برابری واریانس ها) جدول فوق t مشاهده شده ($t=۳,۳۹۸$) می باشد و با توجه به سطح معنی داری آزمون t که کوچکتر از α می باشد (۰,۰۰۰) نتیجه گرفته می شود نمرات مربوط به مدیریت سود در بین این دو گروه شرکت ها تفاوت معناداری با هم دارند؛ بنابراین نتیجه می گیریم شرکت هایی معاملات با اشخاص وابسته دارند نسبت به شرکت هایی معاملات با اشخاص وابسته ندارند، مدیریت سود بیشتری دارند.

فرضیه دوم

حجم ریالی معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود اثر معناداری دارد. پس از اطمینان از برقراری فروض کلاسیک، به منظور برآورد مدل از روش اثرات ثابت و الگوی حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شد.

جهت بررسی فرضیات تحقیق از مدل زیر استفاده شده است.

$$EM_{i,t} = a + \beta_1 RPT_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 GO_{it} + \beta_4 FL_{it} + \beta_5 Age_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

نتایج حاصل از برآورد مدل اول تحقیق به شرح جدول ۴ می باشد.

جدول ۴- خلاصه نتایج آماری آزمون مدل اول

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
C (عرض از مبدأ)	0.084316	0.189138	0.445790	0.6559
معاملات با اشخاص وابسته	0.173903	0.032408	5.366125	0.0000
اندازه شرکت	2.45E-10	7.00E-10	0.350172	0.7263
فرصت های رشد	-0.000267	0.000222	-1.201857	0.2299
اهرم مالی	-0.210981	0.025787	-8.181695	0.0000
عمر شرکت	-0.657305	0.173858	-3.780705	0.0002
آماره F فیشر	۶,۲۴۱۴۵۰	آماره دوربین واتسن		۲,۲۸۴۴۳۲
(سطح معنی داری)	۰,۰۰۰۰			
ضریب تعیین	۰,۵۶۶۲۶۴	ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۴۷۵۵۳۸

پیش از آزمون فرضیه پژوهش بر اساس نتایج به دست آمده، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده (۰,۰۰۰)، می توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می توان ادعا نمود، حدود ۵۶ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (مدیریت سود)، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می شود. همچنین مقدار آزمون دوربین واتسون ۲,۲۸۴۴۳۲ که بین ۱,۵ و ۲,۵ می باشد نشان دهنده مناسب بودن استقلال خطاهای مدل تحقیق می باشد.

بررسی مقدار آماره t ، متغیر معاملات با اشخاص وابسته (۵,۳۶۶۱۲۵) نشان می دهد در سطح خطای ۵ درصد دارای تاثیر مثبت و معنی داری بر میزان مدیریت سود شرکت می باشد؛ بنابراین می توان بیان کرد فرضیه H_0 در سطح اطمینان بالاتر از ۹۵ درصد رد و فرضیه تحقیق پذیرفته می گردد. از این رو با توجه به نتایج بدست آمده می توان بیان کرد هرچه معاملات با اشخاص وابسته افزایش (کاهش) یابد، مدیریت سود افزایش (کاهش) پیدا می کند (جدول ۴-); و نتیجه گرفته می شود بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

همچنین با توجه به نتایج جدول متغیرهای اهرم مالی شرکت ها و عمر شرکت ها رابطه منفی (معکوس) و معناداری با مدیریت سود دارند زیرا سطح معناداری مربوط به آزمون آن ها، کمتر از میزان خطا ۰,۰۵ می باشد؛ اما نتایج رابطه معناداری بین اندازه شرکت و فرصت های رشد با مدیریت سود نشان نمی دهد؛ زیرا سطح معناداری مربوط به آزمون آن بیشتر از ۰,۰۵ می باشد.

فرضیه سوم

ترکیب هیئت مدیره بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود اثر معناداری دارد. پس از اطمینان از برقراری فروض کلاسیک، به منظور برآورد مدل از روش اثرات ثابت و الگوی حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شد.

جهت بررسی فرضیات تحقیق از مدل زیر استفاده شده است.

$$EM_{it} = a + \beta_1 RPT_{it} + \beta_2 (RPT_{it} * BC_{it}) + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 GO_{it} + \beta_5 FL_{it} + \beta_6 Age_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

نتایج حاصل از برآورد مدل اول تحقیق به شرح جدول ۵ می باشد.

جدول ۵- خلاصه نتایج آماری آزمون مدل دوم

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
C (عرض از مبدأ)	0.080026	0.189532	0.422231	0.6730
معاملات با اشخاص وابسته	0.181210	0.09۲۸.43۰	2.196384	0.0044
معاملات با اشخاص وابسته * ترکیب				
هیئت مدیره	-0.234809	0.09۰۵۶۱.۰	-3.310967	0.0009
اندازه شرکت	0.172716	0.032627	5.293667	0.0000
فرصت های رشد	-0.000267	0.000223	-1.197664	0.2316

0.0000	-8.178362	0.025869	-0.211562	اهرم مالی
0.0002	-3.708533	0.175194	-0.649712	عمر شرکت
۲,۲۸۳۹۳۴	آماره دوربین واتسن	۶,۱۸۲۰۶۶	۰,۰۰۰۰	آماره F فیشر (سطح معنی داری)
۰,۴۷۴۸۷۴	ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۵۶۶۵۱۲		ضریب تعیین

پیش از آزمون فرضیه پژوهش بر اساس نتایج به دست آمده، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده (۰,۰۰۰۰)، می توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می توان ادعا نمود، حدود ۵۶ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (مدیریت سود)، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می شود. همچنین مقدار آزمون دوربین واتسون ۲,۲۸۳۹۳۴ که بین ۱,۵ و ۲,۵ می باشد نشان دهنده مناسب بودن استقلال خطاهای مدل تحقیق می باشد.

بررسی مقدار آماره t ، نقش تعدیلی ترکیب هیئت مدیره در معاملات با اشخاص وابسته (۳,۳۱۰۹۶۷-) نشان می دهد در سطح خطای ۵ درصد دارای تاثیر منفی (معکوس) و معنی داری بر میزان مدیریت سود شرکت می باشد؛ بنابراین می توان بیان کرد فرضیه H_0 در سطح اطمینان بالاتر از ۹۵ درصد رد و فرضیه تحقیق پذیرفته می گردد. از این رو با توجه به نتایج بدست آمده می توان بیان کرد هرچه ترکیب هیئت مدیره افزایش (کاهش) یابد، معاملات با اشخاص وابسته منجر به کاهش (افزایش) مدیریت سود می گردد (جدول ۵).

همچنین با توجه به نتایج جدول متغیرهای اهرم مالی شرکت ها و عمر شرکت ها رابطه منفی (معکوس) و متغیر اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود دارند زیرا سطح معناداری مربوط به آزمون آن ها، کمتر از میزان خطا ۰,۰۵ می باشد؛ اما نتایج رابطه معناداری بین فرصت های رشد با مدیریت سود نشان نمی دهد؛ زیرا سطح معناداری مربوط به آزمون آن بیشتر از ۰,۰۵ می باشد.

فرضیه چهارم

سهامداران نهادی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود اثر معناداری دارد. پس از اطمینان از برقراری فروض کلاسیک، به منظور برآورد مدل از روش اثرات ثابت و الگوی حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شد.

جهت بررسی فرضیات تحقیق از مدل زیر استفاده شده است.

$$EM_{i,t} = a + \beta_1 RPT_{it} + \beta_2 (RPT_{it} * II_{it}) + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 GO_{it} + \beta_5 FL_{it} + \beta_6 Age_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۳)}$$

نتایج حاصل از برآورد مدل اول تحقیق به شرح جدول ۶ می باشد.

جدول ۶- خلاصه نتایج آماری آزمون مدل سوم

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
C (عرض از مبدأ)	0.078467	0.190253	0.412436	0.6802
معاملات با اشخاص وابسته	0.481310	0.977309	0.451620	0.0000
معاملات با اشخاص وابسته * سرمایه				
گذاران نهادی	0.182309	0.194509	4.349006	0.0000
اندازه شرکت	0.175469	0.032651	5.374061	0.0000
فرصت های رشد	-0.000264	0.000223	-1.186558	0.2359
اهرم مالی	-0.210225	0.025877	-8.123913	0.0000
عمر شرکت	-0.659934	0.173772	-3.797693	0.0002
آماره F فیشر	۶,۱۷۸۲۵۰	آماره دوربین واتسن		۲,۲۸۱۴۹۱
(سطح معنی داری)	۰,۰۰۰۰			
ضریب تعیین	۰,۵۶۶۳۶۱	ضریب تعیین تعدیل شده		۰,۴۷۴۶۹۱

پیش از آزمون فرضیه پژوهش بر اساس نتایج به دست آمده، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده (۰,۰۰۰۰)، می توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می توان ادعا نمود، حدود ۵۶ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (مدیریت سود)، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می شود. همچنین مقدار آزمون دوربین واتسن ۲,۲۸۱۴۹۱ که بین ۱,۵ و ۲,۵ می باشد نشان دهنده مناسب بودن استقلال خطاهای مدل تحقیق می باشد.

بررسی مقدار آماره t ، نقش تعدیلی سرمایه گذاران نهادی در معاملات با اشخاص وابسته (۴,۳۴۹۰۰۶) نشان می دهد در سطح خطای ۵ درصد دارای تاثیر مثبت و معنی داری بر میزان مدیریت سود شرکت می باشد؛ بنابراین می توان بیان کرد فرضیه H_0 در سطح اطمینان بالاتر از ۹۵ درصد رد و فرضیه تحقیق پذیرفته می گردد. از این رو با توجه به نتایج بدست آمده می توان بیان کرد هرچه میزان سرمایه گذاری سرمایه گذاران نهادی افزایش (کاهش) یابد، معاملات با اشخاص وابسته منجر به افزایش (کاهش) مدیریت سود می گردد (جدول ۶). همچنین با توجه به نتایج جدول متغیرهای اهرم مالی شرکت ها و عمر شرکت ها رابطه منفی (معکوس) و متغیر اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود دارند زیرا سطح معناداری مربوط به آزمون آن ها، کمتر از میزان خطا ۰,۰۵ می باشد؛ اما نتایج رابطه معناداری بین فرصت های رشد با مدیریت سود نشان نمی دهد؛ زیرا سطح معناداری مربوط به آزمون آن بیشتر از ۰,۰۵ می باشد.

۸. نتیجه گیری

تحلیل نتیجه ی فرضیه ی اول

در رابطه با فرضیه اول یافته ها نشان داد، شرکت هایی معاملات با اشخاص وابسته دارند نسبت به شرکت هایی معاملات با اشخاص وابسته ندارند، مدیریت سود بیشتری دارند، بر اساس مسئله نمایندگی، به دلیل جدایی مالکیت از کنترل و وجود

تضاد منافع بین این دو، معاملات با اشخاص وابسته می تواند موجب از دست رفتن ثروت سهامداران شود و مدیر برای سرپوش گذاشتن روی این انتقال ثروت، ممکن است به مدیریت سود اقدام کند. معامله با اشخاص وابسته را می توان از این دیدگاه نظریه بررسی کرد، با توجه به فرضیه تضاد منافع، گاهی انگیزه برای معاملات با اشخاص وابسته این است که دارایی های شرکت به نفع اشخاص وابسته از تملک شرکت خارج شود و مدیر برای کاهش اثر آن بر رویدادهای مالی به ویژه سود اقدام به مدیریت سود می کند.

نتایج کلی به دست آمده از این فرضیه در مقایسه با نتایج به دست آمده از این پژوهش های خدماتی پور و همکاران (۱۳۹۱)، سرلک و اکبری (۱۳۹۲)، مینگ (۲۰۰۳) و میتا و یوتاما (۲۰۱۴) همسو می باشد و در مقایسه با نتایج به دست آمده از این پژوهش های خمایی ابدی (۱۳۹۲)، گردن و هنری (۲۰۰۵)، هنری و همکاران (۲۰۰۷) و وکوان و همکاران (۲۰۱۰) متناقض می باشد.

تحلیل نتیجه ی فرضیه ی دوم

در رابطه با این فرضیه (تأثیر حجم ریالی معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود) نتایج بررسی مقدار آماره t ، متغیر معاملات با اشخاص وابسته نشان می دهد در سطح خطای ۵ درصد دارای تأثیر مثبت و معنی داری بر میزان مدیریت سود شرکت می باشد؛ بنابراین می توان بیان کرد فرضیه H_0 در سطح اطمینان بالاتر از ۹۵ درصد رد و فرضیه تحقیق پذیرفته می گردد. از این رو با توجه به نتایج بدست آمده می توان بیان کرد هرچه معاملات با اشخاص وابسته افزایش (کاهش) یابد، مدیریت سود افزایش (کاهش) پیدا می کند

نتایج کلی به دست آمده از این فرضیه در مقایسه با نتایج به دست آمده از این پژوهش های خدماتی پور و همکاران (۱۳۹۱)، سرلک و اکبری (۱۳۹۲)، مینگ (۲۰۰۳) و میتا و یوتاما (۲۰۱۴) همسو می باشد و در مقایسه با نتایج به دست آمده از این پژوهش های خمایی ابدی (۱۳۹۲)، گردن و هنری (۲۰۰۵)، هنری و همکاران (۲۰۰۷) و وکوان و همکاران (۲۰۱۰) متناقض می باشد. همچنین متغیرهای اهرم مالی شرکت ها و عمر شرکت ها رابطه منفی (معکوس) و معناداری با مدیریت سود دارند اما نتایج رابطه معناداری بین اندازه شرکت و فرصت های رشد با مدیریت سود نشان نداد.

تحلیل نتیجه ی فرضیه ی سوم

در رابطه با این فرضیه (تأثیر گذاری ترکیب هیئت مدیره بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود) نتایج نشان داد مقدار آماره t نقش تعدیلی ترکیب هیئت مدیره در معاملات با اشخاص وابسته نشان می دهد. در سطح خطای ۵ درصد دارای تأثیر منفی (معکوس) و معنی داری بر میزان مدیریت سود شرکت می باشد. از این رو با توجه به نتایج بدست آمده می توان بیان کرد هرچه ترکیب هیئت مدیره افزایش (کاهش) یابد، معاملات با اشخاص وابسته منجر به کاهش (افزایش) مدیریت سود می گردد و نتیجه گرفته می شود در شرکت هایی ترکیب هیئت مدیره (نسبت اعضای مستقل به کل اعضا) افزایش می یابد، نظارت بر معاملات با اشخاص وابسته و عملکرد مدیران افزایش می یابد و در نتیجه مدیران نمی توانند اقدام به دستکاری سود و در نتیجه مدیریت سود، نمایند یعنی ترکیب هیات مدیره موجب کاهش مدیریت سود می شود. طبق مبانی نظری و اصول حاکمیت شرکتی انتظار می رود که یک رابطه منفی بین این دو متغیر وجود داشته باشد که نتایج ما مطابق با این تئوری است. یکی از دلایلی که می تواند بر این نتایج اثر گذار باشد: برخورداری بودن از دانش و تخصص کافی اعضای هیئت مدیره برای ارزیابی تصمیمات مدیران اجرایی، داشتن انگیزه برای به چالش کشیدن این تصمیمات و قرار نگرفتن اعضا تحت نفوذ مدیران اجرایی (استقلال)، توجیه می شود. با توجه به اینکه یکی

از مهم‌ترین مسئولیت‌های نظارتی هیئت‌مدیره شرکت‌ها، نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی و ارائه گزارش‌های مالی منصفانه و مطلوب، هیئت‌مدیره می‌تواند نقش نظارتی مؤثری بر رویدادهای مالی شرکت داشته باشد. از طرفی هیئت‌مدیره معمولاً بخشی از این مسئولیت خطیر را به کمیته حسابرسی که یکی از کمیته‌های زیرمجموعه هیئت‌مدیره است، تفویض می‌کند. معمولاً کمیته حسابرسی از طرف هیئت‌مدیره مسئولیت اطمینان از منصفانه بودن گزارش‌های مالی شرکت را از طریق نظارت بر کنترل داخلی، فرآیند گزارشگری مالی و رعایت قوانین و مقررات برعهده می‌گیرد؛ بنابراین ترکیبی کارا از هیئت‌مدیره می‌تواند، بر معاملات با اشخاص وابسته نقش نظارتی مهمی ایفا کند و از سوی دیگر اقدامات مدیران برای مدیریت سود خنثی نمایند. نتایج کلی به‌دست‌آمده از این فرضیه در مقایسه با نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش‌های آقایی و چالاکی (۱۳۸۸)، آقایی و همکاران (۱۳۸۸) و میتا و یوتاما (۲۰۱۴) همسو می‌باشد و در مقایسه با نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش اسلامی (۱۳۸۷) متناقض می‌باشد. همچنین متغیرهای اهرم مالی شرکت‌ها و عمر شرکت‌ها رابطه منفی (معکوس) و متغیر اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود دارند اما بین فرصت‌های رشد با مدیریت سود رابطه‌ای وجود ندارد.

تحلیل نتیجه‌ی فرضیه‌ی چهارم

در رابطه با این فرضیه (تأثیرگذاری سهامداران نهادی بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود) نتایج مقدار آماره t ، نقش تعدیلی سرمایه‌گذاران نهادی در معاملات با اشخاص وابسته نشان می‌دهد در سطح خطای ۵ درصد دارای تأثیر مثبت و معنی‌داری بر میزان مدیریت سود شرکت می‌باشد. از این‌رو با توجه به نتایج بدست‌آمده می‌توان بیان کرد هرچه میزان سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران نهادی افزایش (کاهش) یابد، معاملات با اشخاص وابسته منجر به افزایش (کاهش) مدیریت سود می‌گردد. وجود رابطه مستقیم، به این معناست که هرچه درصد سهامداران نهادی در شرکتی افزایش یابد، اثر مدیریت سود شرکت نیز افزایش خواهد یافت. سرمایه‌گذاران نهادی می‌توانند رویه‌های اتخاذ شده توسط شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهند و حضور آنها ممکن است به تغییر رفتار شرکت‌ها منجر شود. بر اساس نتایج تحقیق این‌طور میتوان تفسیر کرد که تمرکز مالکین نهادی باعث کاهش کیفیت اطلاعاتی صورت‌های مالی می‌شود. از این‌رو نمی‌توان فرضیه منافع شخصی را در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفت. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت علی‌رغم اینکه مالکیت نهادی سبب ارتقاء محتوای اطلاعاتی سود شرکت نمی‌شود، بلکه ممکن است آن را تنزل نیز ببخشد. به عبارتی در حالی که سطح مالکیت نهادی محتوای اطلاعاتی سود را کاهش نمی‌دهد بلکه موجب افزایش مدیریت سود شده است. نتایج این تحقیق مشابه نتایج کرمی (۱۳۸۷) و مغایر با نتایج استا (۱۳۹۰) و آقایی و چالاکی (۱۳۸۸) می‌باشد. همچنین با توجه به نتایج جدول متغیرهای اهرم مالی شرکت‌ها و عمر شرکت‌ها رابطه منفی (معکوس) و متغیر اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود دارند اما بین فرصت‌های رشد با مدیریت سود رابطه‌ای وجود ندارد.

۹. پیشنهادهای حاصل از یافته‌های پژوهش

۱- با توجه به نتیجه فرضیه اول و دوم، (تأثیرگذاری مثبت و معنادار حجم ریالی معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود) از آنجاکه اهداف سرمایه‌گذاران دستیابی به سود شفاف است به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود برای دستیابی به هدف فوق شرکت‌هایی را انتخاب نمایند که با اشخاص وابسته معاملات کمتری دارند، لذا در این شرکت‌ها مدیریت سود کمتر صورت می‌گیرد.

۲- با توجه به نتیجه فرضیه سوم، (تأثیرگذاری منفی ترکیب هیئت مدیره بر رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود) به مسئولین سازمان بورس توصیه می شود که قوانین و اقداماتی فراهم آورند که بر شرکت هایی که با اشخاص وابسته معاملات دارند، نظارت بیشتری به عمل آید و از این طریق بتوان از منافع سایر سهامداران محافظت نمود و از طرفی کیفیت سود را می توان افزایش داد و مانع مدیریت سود، توسط مدیران سودجو و منافع طلب شد.

۳- با توجه به نتیجه فرضیه چهارم، حضور سرمایه گذاران نهادی سبب تغییر رفتار شرکتها می شود با توجه به اینکه سهامداران نهادی یکی از مکانیزم های نظارتی حاکمیت شرکتی محسوب می شود، به سرمایه گذاران توصیه می شود که به این معیار در شرکت هایی که با اشخاص وابسته معاملات دارند به عنوان یک مکانیزم نظارتی توجه نکنند و سهامداران نهادی را در اینگونه شرکت ها مبنای قابل اتکا و مؤثری بر کیفیت سود، قرار ندهند.

۴- با توجه به این که مدیریت سود در شرکت های ایرانی صورت می گیرد، به سازمان بورس اوراق بهادار توصیه می شود که سازمان بورس باید نظارت و کنترل کافی بر گزارشگری مالی شرکت های بورسی داشته باشد و شرکت ها را در افشاء موارد مربوط به اعمال پدیده مدیریت سود، الزام نماید تا از گمراهی استفاده کنندگان صورت های مالی جلوگیری شود.

۵- به ارکان اصلی شرکت توصیه می شود که با تشکیل کمیته ای حرفه ای، به فیلتر نمودن مدیران با تجربه، متخصص، دارای استقلال و با انگیزه اقدام نمایند. همچنین توصیه می شود کمیته ای مستقل دال بر کنترل رفتار مدیران تشکیل شود که این کمیته حاوی متخصصان و افراد باتجربه باشد، از این طریق تصمیمات مدیران تحت نظر قرار می گیرد.

منابع

- ۱- احمدپور، احمد؛ کاشانی پور، محمد و شجاعی، محمدرضا. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر هزینه تأمین مالی بدهی (استقراض)، بررسی های حسابداری و حسابرسی. ۱۷(۶۲)، ۳۲-۱۷.
- ۲- ارجمند، مریم. (۱۳۹۰). ارتباط بین پایداری تغییرات غیرعادی مانده نقد با پایداری اقلام تعهدی اختیاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۳- اسماعیل زاده مقری، علی؛ جلیلی، محمد و زندعباس آبادی، عباس. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران، مجله حسابداری مدیریت. ۳(۷)، ۹۱-۷۹.
- ۴- آقایی، محمدعلی؛ اعتمادی، حسین؛ آذر، عادل و چالاکی، پری. (۱۳۸۸)، ویژگیهای حاکمیت شرکتی و محتوای اطلاعاتی سود در بورس اوراق بهادار تهران با تاکید بر نقش مدیریت سود، فصلنامه علوم مدیریت ایران، دوره ۴، شماره ۱۶، ص ۵۳-۲۷.
- ۵- آیین نامه نظام راهبری شرکتی، بورس اوراق بهادار تهران (شرکت سهامی عام)، ۱۱/۰۸/۱۳۸۶.
- ۶- باباجانی، جعفر؛ تحریری، ارش؛ ثقفی، علی و بدری، احمد. (۱۳۹۳). رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود. پیشرفت های حسابداری. ۶(۲)، ۲۶-۱.
- ۷- بولو، قاسم؛ حساس یگانه، یحیی و هراسانی، رضا. (۱۳۹۰). روند تغییرات کیفیت سود در طول زمان در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۲۹، ص ۹۵-۶۵.

- ۸- بولو، قاسم و حسینی، سید علی. (۱۳۸۶). مدیریت سود و اندازه گیری آن: رویکردی نظری، مجله حسابداری رسمی. جامعه حسابداران رسمی ایران. سال ۴. شماره ۱۲، ص ۷۲-۸۸.
- ۹- پهلوان، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین مدیریت سود، استقلال هیأت مدیره و حق الزحمه حسابرسی با توجه به سطح سودآوری شرکت. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد مرودشت.
- ۱۰- پیروی، رضا. (۱۳۹۰). ارزیابی رابطه بین مالکیت نهادی و سیاستهای تقسیم سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.
- ۱۱- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۷). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات سمت.
- ۱۲- جمشیدی نوید، بابک و ایزدی، محمد مهدی. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر بکارگیری اصول حاکمیت شرکتی بر رفتار سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران.
- ۱۳- حساس یگانه، یحیی و داداشی، ایمان. (۱۳۸۹). بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر اظهارنظر حسابرسان مستقل. مجله حسابداری مدیریت. ۳(۵)، ۶۵-۷۳.
- ۱۴- حساس یگانه، یحیی رئیسی، زهره، حسینی، سید مجتبی. (۱۳۸۸). رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علوم مدیریت ایران. ۴(۱۳)، ۷۵-۱۰۰.
- ۱۵- حسین نژاد شیروانی، ایمان. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر بدهی کوتاه مدت بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (با تأکید بر نقش فرصت های رشد و اهرم مالی). پایان نامه کارشناسی ارشد. موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی سمندگان آمل.
- ۱۶- خدای پور، احمد؛ امینی، میثم و هوشمند زعفرانی، رحمت الله. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر الزامات افشای معاملات با اشخاص وابسته بر مدیریت سود. فصلنامه پژوهش حسابداری. ۲(۲)، ۸۷-۶۹.
- ۱۷- خاکی، غلامرضا. (۱۳۸۸). روش تحقیق با رویکردی بر پایان نامه نویسی. تهران، انتشارات بازتاب.
- ۱۸- خسرو نژاد. سید حسین. (۱۳۸۸). رابطه نسبت بدهی ها و اندازه شرکت با مدیریت سود. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۹- خمایی ابدی، مهنوش. (۱۳۹۱). رابطه معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ۲۰- خوش طینت، محسن و خانی، عبدالله. (۱۳۸۲). مدیریت سود و پاداش مدیران: مطالعه ای جهت شفاف سازی اطلاعات مالی. مطالعات تجربی حسابداری مالی. ۱(۳)، ۱۵۴-۱۲۷.
- ۲۱- دهقان، فاطمه. (۱۳۹۰). اثر ساختار حاکمیت شرکتی بر کیفیت افشای اطلاعات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد یزد.
- ۲۲- ذاکری، عباس. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین سرسید بدهی کوتاه مدت و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمی.
- ۲۳- رسائی، سمیه. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر سیاست ها و تصمیم های مدیریتی شرکت بر مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

- ۲۴- رهنمای رودپشتی، فریدون و اصلانی، عظیم. (۱۳۸۷). بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی و روش‌های تأمین مالی و سودآوری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله مدیریت. ۱۹(۳)، ۵۳-۴۵.
- ۲۵- سجادی، سید حسین؛ دستگیر محسن؛ فرازمند، حسن و حبیبی، حمیدرضا. (۱۳۸۷). عوامل موثر بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران. پژوهشنامه اقتصادی. ۸(۲)، ۱۵۹-۱۲۹.
- ۲۶- سرلک، نرگس و اکبری، مینا. (۱۳۹۲). رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و مدیریت سود. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. ۲۰(۴)، ۷۷-۹۲.
- ۲۷- سعیدی، مجتبی. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیأت‌مدیره با مدیریت واقعی سود و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- ۲۸- علوی نرمیقی، سید ناصر. (۱۳۹۴). معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- ۲۹- فرزانی، حجت الله و غلامی حسین اباد، رضا. (۱۳۸۹). رویکرد جنایی به مدیریت سود و کیفیت سود. حسابدار رسمی. دوره جدید. شماره ۱۲، ص ۱۱۷-۱۰۹.
- ۳۰- کاشانی پور، محمد؛ کریمی، حسن و کریمی، ولی الله. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین ساختار هیأت مدیره و مالکیت شرکت با افشای اختیاری. پژوهشهای تجربی حسابداری. ۴(۱۴)، ۱۸۶-۱۶۷.
- ۳۱- کردستانی، غلام رضا و کشاورز هدایتی، مریم. (۱۳۸۹). سود حسابداری در برابر سود اقتصادی. حسابدار رسمی. شماره ۱۲، ص ۱۲۵-۱۱۸.
- ۳۲- کریمی پور اردکانی، مهدی. (۱۳۹۱). حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر ارزش موجودی نقد نگهداری شده در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی یزد.
- ۳۳- کریمیان راد، محمد. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین نظام راهبری شرکتی و اثربخشی مدیریت و روش‌های تأمین مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی یزد.
- ۳۴- مجتهدزاده، ویدا و احمدی، فاطمه. (۱۳۸۸). کیفیت سود، اطلاعات حسابداری و مخارج سرمایه‌ای. پیشرفت‌های حسابداری (علوم اجتماعی و انسانی شیراز). ۱۱(۱)، ۱۷۰-۱۴۷.
- ۳۵- گجراتی، دامودار. (۱۳۸۷). مبانی اقتصادسنجی. ترجمه حمید ابریشمی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- 36- Adut, D Holder, A. and Robin, A. (2013). Predictive versus opportunistic earnings management, executive compensation, and firm performance, J. Account. Public Policy, 32:126-146.
- 37- Anand, Sanjay. (2007). Essential of Corporate Governance. John Wiley & Sons.
- 38- Baltaji, B.H. (۲۰۰۵). Econometric Analysis of Panel Data. Third Edition. UK. John Wiley & Sons.
- 39- Berry-Stölzle, T. R. Eastman, E. M and Xu, J. (2015). Managerial Overconfidence and Earnings Management.
- 40- Chang Ruey-Dang; Tseng Yee-Chy, chang, Ching-Ping. (2010). The issuance of convertible bonds and earnings management: Evidence from Taiwan. Review of accounting and finance. vol 9. no 1.
- 41- Chen, Q., Hemmer, T & Zhang, Y. (2007). On the Relation between Conservatism in Accounting Standards and Incentives for Earnings Management. Journal of Accounting Research, Vol 45, Iss 3, pp: 541-565.

- 42- Cheng, Q., and T., Warfield. (2005). Equity incentives and earnings management. *The Accounting Review* 80 (2): 441-476.
- 43- Corlacia, A. and Tudor, A. (2011). Related Party Transaction Overview. *Annales Universitatis Apulensis Series Oeconomica*, 13 (2): 241-248.
- 44- Demirbas, D and Yukhanee, A. (2011). Independence of board of directors, employee relation and harmonization of corporate governance, *Employee relations*. 33, 444 – 471.
- 45- Ghosh D. Olson I. (2009). Environmental Uncertainty and Managers Use of Discretionary Accruals. *Journal of Accounting, Organizations and Society*. 34, 188-205.
- 46- Goel Anand Mohan and Thakor, Anjan V. (2003). Why Do Firms Smooth Earnings? *Journal of Business*. vol 76. No 1, pp:151-191.
- 47- Gordon, E. A. & Henry, E. (2005). Related party transactions and earnings management. Available at SSRN 612234.
- 48- Habib, A. Jiang, H and Zhou, D. (2015). Related-Party Transactions and Audit Fees: Evidence from China. *JOURNAL OF INTERNATIONAL ACCOUNTING RESEARCH*. 14(1), 1-26.
- 49- HSIEH, T., BEDARD, J. C and JOHNSTONE, K. M. (2015). CEO Overconfidence and Earnings Management During Shifting Regulatory Regimes. *Journal of Business Finance & Accounting*. 41(9/10), 1243–1268.
- 50- Henry, E., Gordon, E. A., Reed, B. & Louwers, T. (2007). The role of related party transactions in fraudulent financial reporting. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=993532> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.993532>.
- 51- Ismail, W., Dunstan, K. and Zijl, T. (2009). Earnings Quality and Corporate Governance Following the Implementation of Malaysian Code of Corporate Governance. Working Paper, School of Accounting and Commercial Law, Victoria University of Wellington, New Zealand.
- 52- Kholbeck M. J., Mayhew B. W. (2004). "Related Party Transactions". Social Science Research Network, www.ssrn.com, Working Paper Series.
- 53- Kuan, L, Tower, G., Rusmin, R., J-L.W. Mitchell Van der Zahn. (2010). Related Party Transactions and Earnings Management. *Jurnal Akuntansi & Auditing Indonesia*, 14 (2):93–115.
- 54- Lo, Kin. (2008). Earnings Management and Earnings quality. *Journal of Accounting and Economics*, Vol 45, Iss 2–3, pp: 350–357.
- 55- Margaritis, D. & Psillaki, M. (2010). Capital Structure, Equity Ownership and Firm Performance. *Journal of Banking & Finance*, 34(3), 621-632.

Investigating the effect of corporate governance mechanism on the relationship between transactions with affiliates and profit management

Hamid Mazraei Noudeh¹

Mohammad Reza Abdoli²

Mohammad Ali Ghezel Soflu³

Date of Receipt: 2021/09/23 Date of Issue: 2021/10/07

Abstract

In this research, the effect of the corporate governance mechanism on the relationship between transactions with affiliated entities and earnings management was investigated. The statistical population of this research is Tehran Stock Exchange (TSE). The statistical sample consists of 110 companies during the period 1390- 1395 using a multivariate regression model with data bank model economics. The results of the research showed that companies that deal with affiliated entities do not have a better deal than dealers with affiliated entities, and the larger the volume of the deal's rally with affiliated entities, the profit management will increase. On the other hand, the composition of the board of directors and institutional shareholders on the relationship between transactions with affiliated entities and profit management has a negative and positive effect, which means that as the composition of the board decreases, it leads to an increase in profit management and the higher the percentage of institutional shareholders in the company The effect of corporate profit management will also increase. Also, due to the results of control variables, financial leverage and company life, the negative (inverse) and company size variables have a positive and significant relationship with earnings management, but there is no relationship between growth opportunities and earnings management.

Keywords

Corporate Governance, Transactions with Affiliated Persons, Profit Management

1. Master student of accounting, Shams Gonbad Higher Education Institute, Gonbad, Iran. (facom1367@gmail.com)
2. Associate Professor, Department of Accounting, Islamic Azad University, Shahroud Branch, Shahroud, Iran. (mra830@yahoo.com)
3. Head of Accounting Department and Faculty of Shams Gonbad Higher Education Institute, Gonbad, Iran. (aeghgh@gmail.com)